

## بیانیه پیرامون نظرخواهی در باره ادامه جنگ در راهپیمائی روز قدس

### «وامرهم شوری بینهم»

و امور آنها(مؤمنین) مابین خودشان تصمیم گرفته  
می شود. شوری/۳۸

آقای هاشمی رفسنجانی سخنگوی شورای عالی دفاع و رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبه نماز  
جمعه ۱۰ خرداد ماه جاری به منظور شناخت نظر مردم ایران پیرامون مسئله جنگ اظهار داشتند:

«من با جناب ریاست جمهوری و نخست وزیر هم در این قضیه مشورت کردم، آنها هم موافقت کردند که ما برای  
اینکه هم خودمان را بشناسیم، هم مردمان را بشناسیم، هم دیگران ما را بشناسند اعلام می کنیم آنهایی که  
در سراسر این کشور، زیر این آسمان موافقت کردند که جنگ تا پیروزی و رفع فتنه ادامه پیدا کند در مراسم ۱۵  
خرداد یا روز قدس، یا هر روزی اعلام گردید شرکت کنند و نظرات خودشان را با پلاکاردهائی که با  
خودشان می آورند به دنیا اعلام بکنند.»

به دنبال این اظهارات، ستاد تبلیغات جنگ و سازمان تبلیغات اسلامی از مردم دعوت نمودند تا روز  
قدس را به روز اعلام نظر خود در باره جنگ تبدیل نمایند. صرف نظر از انتخاب زمان این نظرخواهی، نهضت  
آزادی ایران خوشوقت است که تصمیم گیرندگان در امر جنگ برای اولین بار و با صراحت به ضرورت  
شناخت نظر و رأی مردم در مورد سیاستهای جنگی خودشان یعنی مهمترین مسئله حال و آینده مملکت  
توجه نموده اند. اما از طرف دیگر پیشنهاد سخنگوی شورای عالی دفاع موجب بهت و حیرت بسیاری از  
ناظرین آگاه سیاسی گردید. نظرخواهی در باره ادامه جنگ و سیاست جنگی دولت به منظور شناخت  
نظرات مردم و یا اثبات حقانیت خط مشی حاکمیت، در ببحوجه جنگ، کاری بی سابقه و قابل تأمل است.  
هیئت های حاکمه ای که قدرت خود را از طریق اعمال حق حاکمیت مردم و اجرای صادقانه اصول مصرحه  
در قانون اساسی کسب کرده باشند، و مراکز تصمیم گیرنده آنها از راههای مشروع قانونی و براساس  
شایستگی ها شکل گرفته باشند، خط مشی هائی را اتخاذ و پیگیری نموده و به دنبال آنها تصمیمات خود را  
به اجرا در می آورند. چنین دولت ها و یا هیئت های حاکمه ای نه تنها نیاز ندارند برای اثبات قانونی و مشروع  
بودن و یا حقانیت سیاست های خود در زمان اوج گیری مقابله با دشمن از مردم دعوت به راهپیمائی بنمایند  
بلکه خود می دانند چنین عملی فاقد ارزش و اعتبار مورد نظر است. زیرا اجتماعاتی که به منظور موافقت از  
هیئت حاکمه تشکیل می شود و همه گونه آزادیها و امکانات آن از طرف دولت تأمین می گردد و احیاناً به  
دلیل امنیت مالی، شغلی، اجتماعی و سیاسی و رگبار تبلیغات دولتی موجب اکراه و یا الزام می گردد، به

لحاظ آمار و استخراج آراء عمومی قهراً فاقد هرگونه اعتبار و ارزش خواهد بود. به عبارت دیگر در جوامعی که حقوق ملت و آزادیهای آنان مورد احترام نیست، طبیعی است که بسیاری از مردم که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم از حقوق دولتی و یا مزایای وابسته بودن به ارگان یا نهادی دولتی استفاده می‌کنند ناچارند در مراسمی که به عنوان طرفداری از نظر حاکمیت تشکیل می‌شود، شرکت کنند. کما اینکه به همین دلیل اجتماعات و تظاهرات ظاهراً مردمی و پرشکوهی که در رژیم گذشته به مناسبت بزرگداشت کودتای ۲۸ مرداد، ۶ بهمن انقلاب سفید، تاجگذاری و غیره ترتیب داده می‌شد با وجود مشارکت طبقات و گروههایی که مراکز بزرگی نظیر استادیوم ورزشی آزادی را پر می‌کرد در نظر مردم ایران و نه خارجیها جدی و اثبات‌کننده مردمی بودن حکومت تلقی نمی‌شد. تنها نتیجه این مراسم آن بود که برای مدتی خوراک تبلیغات و رجزخوانی‌های حاکمیت را فراهم آورده ضمناً مبالغ هنگفتی از بیت‌المال را هزینه کند.

دعوت مردم به راهپیمائی و اظهارنظر معمولاً از جانب نیروهای مخالف حاکمیت صورت می‌گیرد و در جوامع بسته و استبدادی، که راهپیمائی و اجتماعات مخالف حاکمیت مجاز نیستند و سرکوب می‌شوند، راهپیمائی‌ها ارزش و اصالت بیشتری پیدا می‌کند. سالهای آخر حکومت شاه که راهپیمائی‌های طبیعی میلیونی در تهران و شهرستانها تشکیل می‌شد و حضور و مشارکت مردم با مشکلات و خطرات سنگینی مواجه بود، کمتر کسی می‌توانست در اصالت آنها و استنتاج صحیح نظرات مردم در باره حاکمیت شک و تردیدی داشته باشد.

در یک جامعه باز گروهها و شخصیت‌های سیاسی مستقل از حاکمیت و قشرهای مختلف ملت، به منظور مخالفت یا موافقت با سیاستها و خط مشی‌های حاکمیت، مردم را دعوت به راهپیمائی می‌نمایند و حاکمیت با ارزیابی نظرات و رضایت یا رضایتی مردم در سیاستهای خود تجدیدنظر کلی نموده و یا سیاستهای جدید اتخاذ می‌نماید.

حال اگر تصمیم‌گیرندگان در باره جنگ صادقانه می‌خواهند مردم در باره جنگ اظهارنظر نمایند و این امر را ضروری تشخیص داده‌اند، به نظر نهضت آزادی ایران، شیوه پیشنهاد شده کافی و وافی به مقصود نبوده و نمی‌تواند منتهی به حل مسئله و دستیابی به پاسخی درست، مفید و قابل استناد گردد. بنابراین پیشنهاد می‌کنیم به جای آن از راه حل دقیقتر و بی‌شائبه‌تر و مطمئن‌تر و حتی سهل و ساده‌تر همه‌پرسی کتبی و مخفی - یا فراندوم - به صورت آزاد و قانونی همراه با نظارت مردم استفاده شود. البته در آن صورت موضوع فراندوم و سؤالی که از مردم می‌شود باید با عباراتی ارائه گردد که با مقایسه جواب‌های مثبت و منفی نظر اکثریت ملت در باره سیاست جنگی معلوم گردد تا حاکمیت در اتخاذ سیاست‌های جنگی تکلیف خود را بدانند.

موضوع دعوت به راهپیمائی و یا عنوان فراندوم نمی‌تواند شعار متداول جنگ، جنگ تا پیروزی و یا تا رفع فتنه در عالم باشد، شعاری که محتوی و منتهای آن معلوم نیست و تا کنون به طور صریح تعریف نشده است.

به نظر ما به دلیل شرایط جنگی و مسأله امنیت ملی لازم است فراندوم به شکلی انجام گیرد که دستاویزی برای دشمن متجاوز نشود.

در صورتیکه رفراندوم میسر و مصلحت نیست حاکمیت ملزم است به مخالفین سیاست جنگی خود نیز مجال و امنیت بدهد، در روز دیگری راهپیمائی و ابراز نظر نمایند تا از مقایسه دو جمعیت استنتاج صحیحی به عمل آمده نظر اکثریت مردم روشن و مشخص شود.

طبیعی است که اگر دعوت به راهپیمائی یا رفراندوم تحت عنوان حمایت و تجلیل از رزمندگان و محکوم ساختن متجاوز به ایران یا ابراز نفرت نسبت به صدام باشد اکثریت قریب به اتفاق مردم با چنین عناوینی موافقت و کمتر کسی است که فداکاریها، ایثارگریها، شهادتها و حماسه‌های رزمندگان غیور را نستاید و به آنها دعا نکند یا تجاوز عراق و جنایات رئیس‌جمهورش را محکوم ننماید. بدیهی است چنان تجمع و یا رفراندومی به منزله تأیید سیاست جنگی حاکمیت تلقی نمی‌گردد. توجه بدین نکته نیز لازم است که اجتماع و راهپیمائی تعدادی از مردم در خیابانها و دانشگاه تهران ولو به یک میلیون هم تخمین زده شود، درصد نسبتاً اندکی از مجموع جمعیت تهران و شهرهای مجاور را که بالغ بر ۸-۹ میلیون می‌گردد را تشکیل می‌دهد و بنابراین دلالتی بر نظر اکثریت مردم و یا حقانیت مواضع حاکمیت و یا ادعای مورد نظر آنان نمی‌نماید. از طرف دیگر خیل ماشینها و سیل خانواده‌هایی که شبهای ماه مبارک رمضان به منظور فرار از خطرات بمباران‌های دشمن شهر را ترک می‌کنند ولو تعدادشان به حدود یک میلیون تخمین زده شود نمی‌تواند از نظر منطق آماری مبنائی برای مخالفت با جنگ محسوب گردد.



به نظر نهضت آزادی ایران عملی که آقای هاشمی رفسنجانی پیشقدم و پیشنهاددهنده آن شده است می‌تواند به طور کلی و اصولی در صورتی که مورد دستاویز دشمن قرار نگیرد، کاری مفید باشد ولی این وضع در صورتی امکان‌پذیر است که به دور از ابهام و شبهه و میدان دادن به تعبیر و تلقینهای بی‌حساب و کتاب، که خود باعث فتنه و فساد خواهد شد، با صراحت و امانت و عدالت کافی، یک مراجعه عمومی به عامه ملت به عمل آید. عامه ملتی که شریک در انقلاب، سهیم در حقوق و مزایای مملکت و در سرنوشت خود و نسل آینده هستند.

**اللهم اهدنا من عندک و افض علينا من فضلک**

**نهضت آزادی ایران**

۱۳۶۴/۳/۱۸

لطفاً تکثیر و توزیع نمایید.